



گزارش

مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» ساخته رضا فرهنگند

صدای قلب بهتر است یا صدای جنگ؟

زنان و کودکان جزو اقشار آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند. اما نمود این آسیب‌پذیری در پدیده‌هایی همچون جنگ، قحطی و اسارات بسیار بارزتر و ملموس‌تر به چشم می‌آید. در جایی که هیچ پناه و مأمنی جز صوری و شکنجیابی و انتظار نیست، هرنگاه یا کلمه‌ای می‌تواند دردهای آشکار و پنهان آدمی را صد چندان کند.

مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» به کارگردانی رضا فرهنگند با انتخاب سوزۀ زنان و کودکان جنگزده عراق و داعش تلاش دارد لایه‌های مختلف تأثیرات و تأثرات این پدیده شوم را به نمایش بگذارد. هرچند این سوزۀ توسط فیلمسازان مختلف مورد توجه بوده، اما این مستند با زاویه دید تازه‌تری به آن می‌پردازد. این مستند را زنی خبرنگار به نام نور الحلی روایت می‌کند که خود را به خطر می‌اندازد تا در لحظه لحظه جنگ حضور داشته باشد و گزارش‌هایی عینی و زنده را ثبت و مخابره کند، اما این‌بار با خانواده تروریست‌های داعشی همراه می‌شود و از آنها می‌گوید.

ابتدای فیلم نور الحلی که خود در محاصره داعشی‌هاست، به کمک نیروهای مقاومت و جبهه مردمی عراق تلاش می‌کند چند خانواده داعشی را از محاصره نجات و به اردوگاه امن برساند و این شروع نزدیکی او به این خانواده‌هاست.

صرف‌نظر از قاب‌بندی‌های بی‌نظیر، فضاسازی‌های بدیع و انتخاب سوزۀ‌های ناب و کمتر دیده شده تمایز این مستند در ارائه و ثبت نگاه‌ها و ایدئولوژی‌های مختلف و بعضا متناقضی است که خانواده‌های داعشی از این جنگ دارند. موضوعی که مخاطب را به چالش‌های فکری، اعتقادی و انسانی وامی‌دارد.

فیلم منشوری از بات‌پاز کشتارها، تجاوزها و بی‌خانمانی‌های مردمی است که در پی این جنگ به آنها تحمیل شده، اما همچنان زندگی خود را گرّه خورده با حضور متجاوزانی می‌بیند که همچون آنها دارای خانواده و فرزند هستند.
رای در بخش دوم فیلم همچون پژوهشگری میدانی به ویرانه‌هایی که پس از گذشت سه سال همچنان تجسمی از ددمشنی و خوی حیوانی متجاوزین داعشی است سر می‌زند و در همان مکان‌ها با حضور آسیب‌دیدگان به گفت‌وگو می‌نشیند. صحنه‌هایی که سکوت‌هایش ویران‌کننده‌تر از هر فریادی است و خاطرات راویانش چشم‌هر بیننده‌ای را ترمی‌کند.



در بخش دیگر فیلم نور الحلی با حضور در اردوگاه نگهداری خانواده‌های آواره با زنانی به گفت‌وگو می‌نشیند که هم‌زبان او نیستند و چینی، ترک، روس، تاجیک و ... هستند. تنها سوالی که او با بعضی از آنها می‌پرسد این است: شما در عراق چه می‌کنید؟ و جوابی جز سکوت یا توجیه نمی‌شوند. نور الحلی که نزدیک‌ترین اعضای خانواده‌اش را در این جنگ از دست داده است، خود را در میان کشورهای جهان تنها می‌بیند.

گویا جهانی برای از بین بردن او و کشورش بسیج شده‌اند اما نمی‌تواند از پشت آن نقاب‌ها حتی چهره قاتلان خانواده‌هاش را ببیند. مستند «زنانی با گوشواره‌های باروتی» در طول ۷۵ دقیقه از روایت خود همه این خشونت‌ها را نشان می‌دهد، اما از انسان ناامید نمی‌شود. به همین خاطر در اردوگاه آوارگان با گوشی پزشکی بازی کودکانه‌ای بین خانواده‌های داعشی و خانواده‌های مصیبت دیده طراحی می‌کند.

او از بچه‌ها می‌خواهد که به صدای قلب یکدیگر گوش کنند و بعد از هم بپرسند: صدای قلب بهتر است یا صدای جنگ؟ او از بچه‌ها می‌خواهد آینده را با صدای قلبشان بسازند هرچندکه صدای جنگ بلندتر باشد. **✚**



موفقیت «من ایرانی‌ام» در میلان

جایزه بهترین فیلم بخش داستانی سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی میلان ۲۰۱۸ به فیلم «من ایرانی‌ام» به کارگردانی محمدرضا آهنج رسید. به گزارش جام جم، در مراسم اختتامیه سی و ششمین جشنواره جهانی فیلم‌های ورزشی میلان که شامگاه دوشنبه با حضور امیرمسعود میری،



عکس:

مجید آزاد

جام جم

ادامه از صفحه ۹

این درحالی است که ذهنیت برخی سینمادارا این است که اگر فیلم خوب باشد، صندلی هم که پاره باشد، باز هم مردم از فیلم استقبال می‌کنند، اما این‌طور نیست و باید نمونه‌هایش را ببینند که خود سینمای خوب هم چقدر می‌تواند به گیشه یک فیلم کمک کند. در حال حاضر سالن‌داران از اکران بسیاری از تولیدات سینمایی به دلایل مختلف از جمله عدم کیفیت فیلم و در نتیجه استقبال کم مخاطبان، سر باز می‌زنند و به‌طورکل نمی‌توان امکانات اکران یکسانی برای تمام فیلم‌های تولیدی در نظر گرفت. این اتفاقی است که در تمام دنیا در جریان است؛ مثلاً فیلمی در صد سالن اکران و فیلمی دیگر در دو سالن اکران می‌شود، اما بدیهی است که تعداد سالن‌های ما نسبت به آمار جمعیت‌مان کم است. ما برای رفع این معضل دو راهکار در پیش گرفتیم: بازسازی و بازسازی این سینماها هم نکته‌ای جدید. سینماهای قدیمی عموماً به لحاظ جغرافیایی در موقعیت‌های خوبی قرار دارند و درواقع سرمایه سینمای کشورند که نمی‌توان از آنها صرف‌نظر کرد.

این سینماها چنانچه بازسازی شوند بلافاصله با استقبال مردم مواجه می‌شوند. درواقع به دلیل کمبود سالن‌های سینما برای ما حائزاهمیت بوده چندسالنه کردن آنهاست. به عنوان مثال پردیس هویزه مشهد که یک سالن داشت، تبدیل به هشت سالن شد یا سینما فجر اسلامشهر که اخیراً افتتاح شده یک سینمای تک‌سالنه بود که تبدیل به سینمایی پنج سالنه شد. در حقیقت سینماهایی که امکان بازسازی دارد با کیفیت خوب بازسازی و چندسالنه می‌شودکه البته باز هم جوابگوی میزان جمعیت کشور نیست و راه حل اصلی همان ساخت سالن‌های جدید است. سینماهای جدید هم معمولاً چند سالنه و در مجموعه‌های تجاری قرار دارند. در مجموعه‌های جدید هم معمولاً ترکیبی از فعالیت‌های مختلف داریم که این ترکیب چندگانه باعث صرفه جویی در سرمایه‌گذاری شده و علاوه بر آن امکان استفاده چندگانه از این فضاها را مهیا می‌کند. ضمن این‌که در این مجموعه‌ها، سینماها نقش مثبتی ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر مجموعه‌های تجاری که فاقد سینما هستند با شکست مواجه می‌شوند.

سرکسول ایران، جان کارلو جیوگتی، نماینده هیات دولت ایتالیا در امور ورزش،

هنرمندان و پیشکسوتان ورزشی برگزار شد، فیلم من ایرانی ام به تهیه‌کنندگی

احمد نجفی برگزیده شد.

این فیلم با بازی علیرضا حیدری قهرمان پیشین کشتی جهان و المپیک قصه یک

و اگر نداشته باشند تغییر کاربری دهند. ما باید ظرفیت نمایشی در کشور را به حدی برسانیم که تعطیل شدن يك سینما ضربه‌ای به کسی وارد نکند. اگر چندین سال پیش يك سینما تعطیل می‌شد به این معنا بود که فروش بالای از دست می‌رفت، اما امروز دیگر این‌گونه نیست؛ چرا که به نسبت گذشته تعداد سینماهایی که فروش بالایی دارند بیشتر شده است و تعطیل شدن يك تك سالن خیلی در فروش فیلم‌ها تأثیرگذار نیست. اگر روند ساخت سینما به همین منوال فعلی پیش رود شاید تا سال‌های آینده دیگر نگران تعطیلی يك سینما نباشیم و بگوییم هر سینمایی که می‌خواهد تغییر کاربری دهد مشکلی نیست.

در بعضی از شهرستان‌ها مجموعه‌های تجاری وجود دارد که خود آن مجموعه‌ها کوچک است و بنابراین به اقتضای همان محل يك یا دو سالن سینما برایش در نظر گرفته می‌شود، اما اکثراً ما اقدام به ساخت سالن‌های زیاد در يك مجموعه می‌کنیم. مثلاً همین الان در نای‌آباد تهران مجتمع لوتوس با ۱۴ سالن سینمایی در حال ساخت است.

در حال حاضر چند درصد سینماها به سیستم دیجیتال مجهز هستند؟ تمام سینماهای ایران. در حقیقت با تجهیز همه سینماها به سیستم بخش دیجیتال و تسهیل در ارسال کپی فیلم به تعداد زیاد در سالن‌ها به عدالتی در این خصوص رسیدیم که هم برای پخش‌کننده مقرون به صرفه است و هم موجبات رضایت مردم را فراهم کرده.

تحریم‌ها تا چه اندازه در ورود تجهیزات سینمایی تأثیرگذار بوده؟ تحریم شامل دو مبحث می‌شود. يك بحث عمومی آن، با این توضیح که تحریم‌ها باعث می‌شود امکان ورود هر کالایی سخت شود. بخش دیگر مربوط به کالاهای خاصی است که به دلیل سازندگان محدودش (بعضاً آمریکایی) دیگر نمی‌توان آن را خرید. اکثر وسایلی که در بحث تجهیز سینماها استفاده می‌شود منابع متنوعی برای خرید دارند. بنابراین مشکل خاصی به‌وجود نمی‌آید مگر این‌که بالا رفتن قیمت ارز باعث بالا رفتن قیمت هزینه‌ها می‌شود. وسایل خاص و گرانبه‌تری هم که در انحصار یکی دو کمپانی خاص هست را معمولاً ما در ایران به کار نمی‌بریم. بنابراین سینما ممکنه عمده‌ای بابت تحریم‌ها ندارد و مشکلی که وجود دارد مشکل عمومی است. یعنی همان مرحله‌ای که قبلاً با يك ثبت و سفارش انجام می‌شد الان مشکل‌تر شده. برای بالا رفتن ارز هم که خدمت تان عرض کردم تمهیداتی اندیشیدیم. به این صورت که سهم کمک دولت را افزایش دادیم که افزایش رقم

هزینه‌ها بیشتر به سمت دولت باشد و کمتر به سمت بخش خصوصی. چند درصد از مجتمع‌های فرهنگی-هنری ادارات کل وزارت فرهنگ و ارشاد برای نمایش فیلم تجهیز و افتتاح شدند؟

موسسه «سینماشهر» تجهیزات نمایشی مجتمع‌های فرهنگی را تأمین می‌کند تا مردم در شهرهای کوچک هم بتوانند به تماشای فیلم‌های سینمایی بنشینند. البته در این نوع نمایش‌ها انتظار فروش بالا نداریم اما باید در نظر داشته باشیم که مجتمع‌های فرهنگی ارشاد اشکال مختلفی دارند و ما اولویت را بر شهرهایی که در مناطق مرزی و بدون سالن سینما که بهره‌بردار بخش خصوصی دارند، گذاشتیم. بر اساس این اولویت‌ها تا به حال ۷۹ سالن مجتمع فرهنگی به سیستم دیجیتال تجهیز شده که اکثریت‌شان به شکل مرتب فیلم نشان می‌دهند. آن تعداد محدودی هم که فیلم نشان نمی‌دهند یا دوره‌ای نمایش فیلم دارند به این خاطر است که آن شهر صرفاً همان سالن فرهنگی را برای نمایش و اجرای کلیه رویداد‌های هنری دارد و بنابراین نمی‌شود انتظار داشت تنها به اکران فیلم بپردازد. امسال هم در تفاهنامه‌هایی که ارشاد با سازمان سینمایی داشته ۴۰ مرکز فرهنگی دیگر هم در دستور تجهیزات قرار دارند و ۴۰۰ مرکز در شهرهایی هستند که سالن سینما ندارند.

در مجموع خودتان برآیند موسسه «سینما شهر» را طی سال‌ها فعالیت چگونه ارزیابی می‌کنید؟ فعالیت‌های موسسه سینما شهر چند بخش است که يك بخش آن (اعم از حمایت از بازسازی سینماها، تجهیز سینماهای جدید و ارتقای تجهیزات سینماهای موجود) مستقیماً به سالن‌های سینما برمی‌گردد. گاهی به ما انتقاد می‌شود که چرا به سینماهایی مانند کوروش، آزادی یا چارسو که فروش خوبی دارند برای ارتقای تجهیزات دوباره کمک می‌کنید؟ قضیه این است که ما به سینما کمک نمی‌کنیم، به مخاطب سینما کمک می‌کنیم که فیلم‌ها را با کیفیت بهتری ببیند؛ بنابراین در مبحث ارتقای تجهیزات سینمایی، سالن‌های پرمخاطب در اولویت کار ما قرار دارند. به این دلیل که پردیسی مثل کوروش سالانه سه میلیون نفر مخاطب دارد و این سه میلیون نفر عادتاً دوست دارند که صدا و تصویر خوب

کشتی‌گیر ایرانی را روایت می‌کند.

مقر فدراسیون جهانی فیلم‌های ورزشی (FICTS) در میلان ایتالیاست که بیش از ۱۶ کشور عضو این فدراسیون هستند و ایران هم جزو مناطق ۱۶ گانه فدراسیون

جهانی فیلم‌های ورزشی است.



ببینند و وقتی تجهیزات بهتری در اختیارشان قرار می‌دهید با رضایت کامل‌تری سالن را ترك می‌کنند. این تجهیزات را شما اگر برای سینمایی با ۵۰۰۰ مخاطب خرج کنید ۵۰۰۰ نفر رضایتمندتر خواهند بود. بنابراین رضایت سه میلیون نفر به ۵۰۰۰ نفر ارجحیت دارد. به این دلیل اولویت ما در ارتقای تجهیزات، سینماهایی است که مخاطب بیشتری دارند. بخش دیگر فعالیت ما به نصب و راه اندازی سیستم مکانیزه فروش برمی‌گردد. تمام گیشه سینماهای ایران (غیر از دو سینما در کرمان که آن هم در حال نصب است) همگی مجهز به سیستم مکانیزه فروش هستند و ما دیگر سیستم دستی فروش نداریم.

از دیگر برنامه‌های مان می‌توانم به کمک به فیلم‌ها در مرحله اکران اشاره کنم. ما بخشی از هزینه آماده سازی فیلم‌هایی را که به مرحله اکران می‌رسند به صورت کمک به پخش‌کننده‌ها می‌دهیم. با این توضیح که فیلمی شامل حمایت ما می‌شود که در لابراتوارهایی با مجوز فعالیت و کارمند، تولید شود که البته در حال توسعه این مقوله هم هستیم. به این معنا که هر چه يك لابراتوار شاغلان رسمی بیشتری داشته باشد حمایت بیشتری از طرف ما خواهد داشت.

از دیگر فعالیت‌های ما که امسال شروع شده ساخت پردیس سینمایی در شهرهایی است که اصلاً سینما ندارند. امسال برنامه‌ریزی ما سینماسازی در ایلام، بندرگناوه و ایرانشهر (استان سیستان و بلوچستان) است که امیدواریم تا پایان امسال به پایان برسد. شرط اولیه این موضوع این است که شهرداری شهر مقاضی، زمین را در اختیار ما بگذارد و بخشی از هزینه‌های ساخت (بخش دیگر به‌عهده سازمان سینمایی است) را هم تقبل کند. سالن‌های سینمایی شیک در شهرهای کوچک نشاط اجتماعی خوبی به راه می‌اندازد که بسیار مثبت خواهد بود. يك استثنایی هم البته در این زمینه گذاشتیم که در شهرهای بزرگ چنانچه محله‌هایی فاقد سینما یا دور از سالن وجود داشته باشد و شهرداری هم علاقه‌مند به ایجاد سالن در آن نواحی باشد این پروژه عملی شود. ساخت این پردیس‌ها شاید ابتدای کار با موانع و کندی پیش برود، اما به محض این‌که تأثیرات اجتماعی‌اش دیده شود الگویی برای شهرهای دیگر خواهد شد. **✚**



سینما مشکل عمده‌ای بابت تحریم‌ها ندارد و مشکلی که وجود دارد، مشکل عمومی است. یعنی همان مرحله‌ای که قبلاً با يك ثبت و سفارش انجام می‌شد الان مشکل‌تر شده. برای بالا رفتن ارز هم که خدمت تان عرض کردم تمهیداتی اندیشیدیم. به این صورت که سهم کمک دولت را افزایش دادیم که افزایش رقم هزینه‌ها بیشتر به سمت دولت باشد و کمتر به سمت بخش خصوصی